

## بنیاد فلسفه اشراق، خودآگاهی است / تفاوت حکمت اشراقی و صدرایی

بابک عالیخانی با اشاره به بنیاد فلسفه اشراق با نقل این جمله از شیخ اشراق که «حکمت ایرانیان باستان را زنده کردم»، گفت: بنیاد فلسفه سهروردی عبارت از خودآگاهی است ...



بابک عالیخانی با اشاره به بنیاد فلسفه اشراق با نقل این جمله از شیخ اشراق که «حکمت ایرانیان باستان را زنده کردم»، گفت: بنیاد فلسفه سهروردی عبارت از خودآگاهی است و تعبیر او نیز انانیت است که اصطلاح خاص شیخ اشراق است. همچنین ما از طریق مقایسه با دکارت می توانیم به تمایز این دو پی ببریم. دکارت از تصور و تصدیق به عنوان بنیاد فلسفه خودش سخن می گوید، اما سهروردی از خودآگاهی سخن می گوید.

ارسالی /// بنیاد فلسفه اشراق خودآگاهی است/تفاوت حکمت اشراقی و صدرایی در چیست به گزارش ایگنا، وینار «شاهنامه و حکمت فهلوی»، طی روزهای ۷ و ۸ آذرماه به همت مؤسسه حکمت و فلسفه و با سخنرانی جمعی از اندیشمندان به صورت مجازی برگزار شد.

در روز دوم این وینار، ایرج داداشی، کلثوم غضنفری، اسماعیل رادپور، مصطفی ملکیان، بیژن عبدالکریمی و بابک عالیخانی به ایراد سخن پرداختند.

در ادامه متن سخنان بابک عالیخانی، عضو هیئت علمی مؤسسه حکمت و فلسفه ایران و دبیر علمی این وینار را می خوانید که به عنوان سخنران اختتامیه ایراد شده و ذیل عنوان «شاهنامه و حکمت فهلوی» ارائه شده است؛

سهروردی به حکمای پیش از دوره اسلامی اشاره می کند که ما هم سال ها است این آثار را می خوانیم و تجزیه و تحلیل می کنیم. نکته مهم این است که وقتی گفته می شود حکمای فهلوی یا خسروانی در مورد امور فانتزی صحبت نمی شود و آثارشان موجود است که البته برخی از آنها در اختیار شیخ اشراق بوده است. برای نمونه بخشی از سخنان بوزرجمهر در اختیار شیخ اشراق بوده است و اکنون بخش بیشتری از آن در اختیار است؛ بنابراین نمی توان گفت حکمت فهلوی یک مسئله خیالی است و اینطور نیست که بگوییم یک برداشت رماتیک از ایران باستان و شرق باشد.

در اینجا باید بگوییم فهلوی منسوب به قهلو است و قهلو معرب پهلُو است. یکی از معانی پهلُو در شاهنامه پهلوان است و شیخ اشراق اینها را می داند و نزدیک به زمان فردوسی است و با زبان فارسی دری کاملاً انس دارد و همانطور که به عربی در حد اعلی می نویسد، به فارسی نیز در حد اعلی می نویسد و البته این عرض من هرگز از روی مبالغه نیست و این آثار فارسی شیخ اشراق بسیار ممتاز و یگانه است. اما قهلو به معنای پهلُو و پهلُو به معنای پهلوان است. حکمت خسروانی اوج حکمت فهلوی است

حکمت پهلوانی مقدمه است و اوج که می گیرد، به خسروانی می رسد که سهروردی نیز در «هیاکل النور» به نکته ای در این زمینه اشاره می کند. «هیاکل النور» از رساله های اشراقی کوتاه و ناب سهروردی است که به عربی نوشته و خودش ترجمه کرده است و در آخرش می گوید «اللهم اجعل الفتوه حلیتنا و الاشراق سیبلنا»؛ یعنی خدا یا جوانمردی را زینت ما قرار بده و اشراق را راه و رسم یا راه و روش ما قرار بده.

حکمت فهلوی یعنی حکمت پهلوانی و حکمت خسروانی نیز شکل کامل تر آن است و کمال را نشان می دهد. در حقیقت، فتوت مرحله اول است و شیخ اشراق نیز در ابتدا این را خواست، اما در ادامه به اشراق توجه داد؛ بنابراین اینطور نیست که فهلوی منسوب به فهله و منطقه خاصی باشد. پهلُو یک معنای جغرافیایی دارد، اما مراد ما پهلوانی است و شیخ اشراق نیز پهلوان را اراده می کند.

نکته دیگر در باب بنیاد حکمت فهلوی است که برخی ها در این زمینه پرسش هایی نیز مطرح می کنند و از چپستی آن می پرسند. به این مناسبت باید اشاره کنم که در فرهنگ غربی از پارمنیدس تا هایدگر از وجود سخن می گویند، اما ما که در شرق داریم غور می کنیم، خیلی هستی را نمی شنویم؛ مثلاً من دارم حکمت عمیق هندو را کار می کنم که بیشتر تکیه روی شاهد است. البته من نگفتم شهود، بلکه مراد شاهد ازلی است و در اوستا به این شاهد ازلی، مزدا می گویند. این برابر است با آنچه در غرب به آن هستی می گویند. خیلی عجیب است که در زمان ما هایدگر قدر و قیمت سخن پارمنیدس را می فهمد و می گوید: چرا هستی فراموش شد و هستنده آمد.

نکته دیگر اینکه دکارت گفت: می اندیشم پس هستم، اما در اندیشه های پوشیده در متن و نه فانتزی و رمانتیک و رمان فلهوی و از نظر سهروردی این مسئله صحیح نیست. سهروردی بنیاد فلسفه اش که عین بنیاد متونی است که با آن سر و کار داریم، مانند حکمت بزرگمهر و ... ، خودآگاهی است. شیخ اشراق گفت: حکمت ایرانیان باستان را زنده کردم و بنیاد فلسفه سهروردی عبارت از خودآگاهی است و تعبیر او نیز انانیت است که اصطلاح خاص شیخ اشراق است. از طریق مقایسه با دکارت می توانیم به تمایز این دو پی ببریم. دکارت از تصور و تصدیق به عنوان بنیاد فلسفه خودش سخن می گوید، اما سهروردی از خودآگاهی سخن می گوید.

بنابراین هر فلسفه ای بنیادی دارد و عرض من این است که انانیت را بنیاد حکمت فلهوی می دانم و بنده در اوستا این بنیاد را نشان داده ام و باید توجه کنیم که سهروردی تحول عظیمی در فلسفه اسلامی به وجود آورد و این کار را با احیای علم حضوری ذات به ذات و همان انانیت انجام داد که اکنون نیز باقی مانده و جای بحث هم دارد.

بنابراین بنیاد فلسفه سهروردی چنین است و شیخ اشراق می گوید انانیت عبارت از نور متافیزیکی است؛ یعنی شما بر خود آشکار هستید و چیزهایی نیز برای شما آشکار می شود؛ یعنی شما ظاهر و مظهر هستید؛ یعنی خودتان پیدا و پیداکننده چیزهای دیگر هستید. فلسفه شیخ اشراق می گوید وقتی خودت را پیدا کردی و متوجه شدی که خودت نور متافیزیکی هستی، در مراتب بالاتر به روی شما باز می شود. شیخ اشراق می گوید ابتدا خودت را خوب درک کن و این به هیچ وجه شعار نیست. بله، ممکن است برای عده ای شعار باشد اما برای کسانی که جدی فکر می کنند و به مسمی توجه دارند هرگز شعار نیست. تفاوت فلسفه اشراقی با صدرایی

در حقیقت ما در درون خویش دنبال همه چیز هستیم و خوب است که در اینجا مقایسه ای میان فلسفه ملاصدرا و شیخ اشراق نیز داشته باشیم. فلسفه ملاصدرا از اینجا شروع می شود که شما باید اذعان کنید که چیزی هست؛ یعنی یک واقعیتی هست و سپس طرفداران این فلسفه می گویند اگر به این اذعان نکنید، سوفسطایی هستید. سپس مراحل هست و در آثار صدرا و ملاحادی سبزواری و ... مفهوم وجود، اصالت وجود و تشکیک مطرح می شود و سپس این فلسفه تا آن سوی عرش اعلی اوج می گیرد، اما از اینجا شروع می کنند که در بیرون از ذات شما چیزی هست، اما در فلسفه سهروردی از خود شروع می کنیم و دکارتی هم نیست؛ چون علوم حصولی متکی بر علم حضوری است.

نکته دیگر اینکه برخی ها سوال می کنند که آیا حکمت اشراقی غیر از فلهوی است؟ پاسخ این است که خیر. اگر مفهوم احیا را بفهمیم این دوگانه را نمی بینیم؛ چون حکمت ایرانیان باستان اشراقی و حکمت شیخ اشراق نیز فلهوی است.

نکته دیگر هم اینکه ملیت را در پرتو آن بعد شناختی و به این شکل معنا می کنیم و فکر نمی کنیم که ایران یعنی صرفاً خاک و خون و نژاد و به نظرم این کافی نیست و ایرانی بودن ما اگر بخواهد به این خاک و خون و نژاد باشد چیز شایان توجهی نیست و اندک است و آن بعد شناختی برای ما مهم است. بنابراین اگر از حکمت ملی تعبیر نمی کنیم، دلیلش این است و من هم پان ایرانیسم نیستم و بنده باید بگویم که طرفدار نژاد آریایی هم نیستم که بخواهم آن را نژاد برتر معرفی کنم.